

بازتاب

نشریه رائد

ویژه نامه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
شماره ۳۸ | محرم ۱۴۰۵



آنچه پیش روی شماست، ثمره هم‌افزایی،
دغدغه‌مندی و تلاش تیمی از اعضای بنیاد
شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ است که با دغدغه فعالیت در
عرصه فرهنگ و اندیشه، به ثمر نشست است.

- تولید محتوا و نگارش: واحد نگارش کمیته تولید محتوا
- معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
- طراحی و صفحه‌آرایی: کمیته گرافیک
- معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ

کاش دل ما نیز ذره‌ای از استقامت شما داشت؛

آن‌گاه که دنیا، وفاداری را

به بهای آسایش می‌فروشد.

سلام بر شما ای سفیر عشق؛

و سلام بر اشک‌هایی که هر سال،

با یاد غربت جدتان از چشمانتان جاری بود.

فاستقم

صبر و استقامت دو بال اقامه حق

صبر بر معصیت، گاهی نیازمند حرکت است؛ مثل ترک محل‌گناه.

نظر رهبر شهید ما بر اتفاق معنای صبر و استقامت است و ما نیز با استدلال‌های فوق، بر این باوریم.

صبر با برخی از وزگان دیگر که معمولاً همنشین آن است تفاوت معنایی دارد:

۱. **حلم:** به معنای بردباری است و در مقابل عامل درونی به کار می‌رود؛ ولی صبر غالباً در مقابل عامل بیرونی است.

۲. **انظلام:** ظلم‌پذیری و سکوت در مقابل ظلم است؛ ولی صبر بر خورد فعالانه و مقاومت است.

۳. **تسلیم:** واگذاری و رها کردن کار است؛ ولی صبر مقاومت و تحمل است و این صبر بدون اجر نیست.

حال به بیان ابعاد صبر می‌پردازیم، در حکمت ۳۱ نهج البلاغه، صبر هم در ابعاد ایجابی به کار رفته است و هم سلبی.

خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه موبد این امر است:

ایمان بر چهار پایه است: صبر، یقین، عدل و جهاد و خود صبر بر چهار اساس استوار است:

۱. **شوق:** هر کس شوق بهشت دارد، باید از شهوات دوری جوید.

۲. **خوف:** آن کس که خوف از آتش دوزخ دارد، از محرمات اجتناب کند.

۳. **زهد:** مصیبت‌ها را در دنیا ساده پندارد.

۴. **ترقب:** کسی که مرگ را انتظار می‌کشد، در نیکی‌ها شتاب کند.

در شب‌های آتی به ادامه این مباحث خواهیم پرداخت.

پیش از این به جایگاه صبر و استقامت در مسیر اقامه حق پرداختیم و معانی صبر را بررسی کردیم، حال به نسبت بین صبر و استقامت در این مسیر می‌پردازیم.

نسبت صبر و استقامت:

برخی معتقدند معنای صبر و استقامت متفاوت است. صبر حالت سکون و استقامت حالت حرکت است؛ همان‌گونه که امیر المومنین (ع) در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «عمل، عمل! پس از آن عاقبت، عاقبت! و نیز استقامت، استقامت! سپس صبر، صبر! و پارسایی، پارسایی و ...» از آن‌جا که این دو واژه جداگانه آمده‌اند، پس متفاوت از هم‌اند.

برخی نیز بر این باورند که صبر و استقامت به یک معنا هستند.

روایتی داریم پیامبر (ص) از جبرئیل معنای صبر را می‌پرسند، جبرائیل می‌فرماید: «در سختی صبر کن همان‌طور که در شادی صبر می‌کنی، در فقر صبر کن همان‌طور که در غنا صبر می‌کنی در بلا صبر کن، همان‌طور که در عافیت صبر می‌کنی.» پس صبر در عافیت و ثروت و خوشحالی، سکون نیست؛ حرکت و جریانی چون رود است.

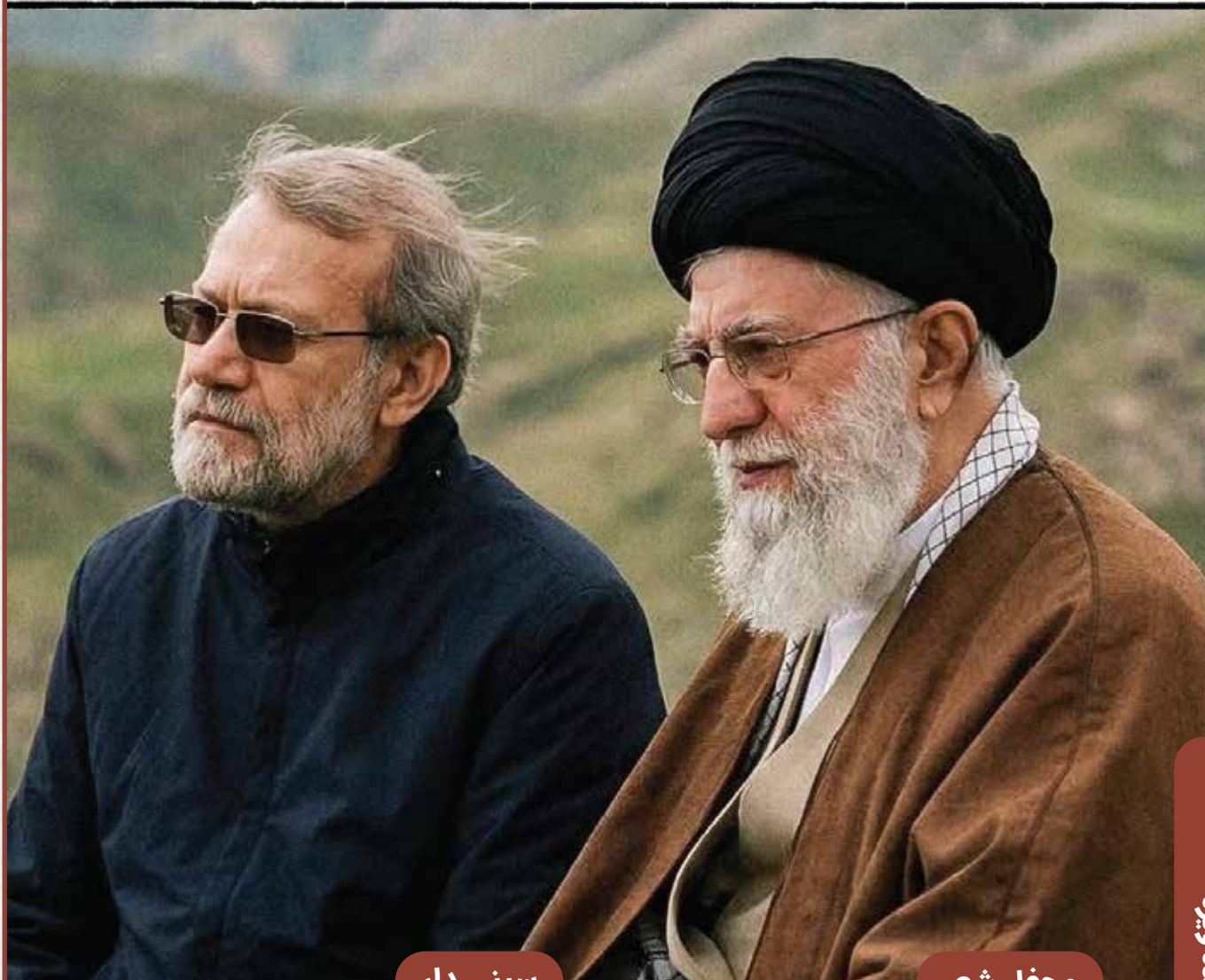
برای این نظریه دو استدلال داریم.

استدلال اول، معنای لفظی صبر در قرآن کریم است که لزوماً به معنای سکون نیست، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۲۵، به صبر در میدان نبرد و در سوره مبارکه کهف، آیه شریفه ۲۸، به صبر در حال عبادت اشاره دارد که لزوماً با سکون محقق نمی‌شود.

استدلال دوم، انواع صبر است، صبر بر سه نوع است؛ صبر بر مصیبت، معصیت و طاعت.

ممکن است صبر بر معصیت را با سکون همراه بدانیم اما دو نوع دیگر این‌گونه نیست.

صبر بر طاعت، یعنی با عمل و حرکت، سختی عبادت را بپذیریم. مثل خمس، جهاد، نماز صبح. این‌ها با حرکت همراه است.



سپندار

محفل شعر

ایران جان‌مان سال تلخی را پشت سر گذاشت. اتفاقاتی که به سختی در مخیله‌مان می‌گنجید، به یک باره آوار شدند بر سرمان. و داستان‌هایی رقم خورد که برای هر کدامش می‌توان یک کتاب نوشت. اما در میان همه آن‌ها یک واقعیت، عجیب خودنمایی می‌کرد: «هر کسی که آبرویش را در راه خدا خرج و با او معامله کرد، خدا آبرویش را می‌خرد و به او پاداش می‌دهد.» یکی از این بندگان خوب خدا شهید لاریجانی عزیز بود که در سایه‌ی اندیشه مطهر به شخصیتی برساخته از عقلانیت، دیانت و تدبیر آراسته بود و با وجود تمام جفاهایی که بر وی رفت دست از ولایت‌مداری و اهداف انقلاب اسلامی برنداشت. و زمانی که عده‌ای جاهل در حریم کریمه‌ی اهل بیت (س) وی را مورد عتاب قرار دادند و خاطرش را آزرند و او به سکوت بسنده کرد، خداوند خودش او را تأیید نمود و برایش نوشت که روزی دیگر در قامت یک شهید وفادار به دین و وطن، با عزت و جلال در همان حرم مقیم شود؛ و تعز من تشاء و تذلل من تشاء.

از سر ره - تا غبار افشاند جان - برخاستم
چون الف در وصل جانان از میان برخاستم

غرق خون هر چند جام روزی ام چون لاله بود
از کنار خوان قسمت شادمان برخاستم

مقصد از سامان هستی مهر تابان تو بود
همچو شب‌نم چهره چون دادی نشان برخاستم

در لگد کوب حوادث جان دیگر یافتم
چون غبار از زیر پای کاروان برخاستم

همچو بلبل با گرانجانان ندارم الفتی
طوطیان تا لب گشودند از میان برخاستم

صحبت شوریده حالان مایه شوریدگی است
با «امین» هر که نشستم بی‌امان برخاستم

از شهیدان راه و رسم زندگی آموختم
از صف بالانشینان بی‌نشان برخاستم

رهبر شهید

صفحه گوشی ام روشن می شود. ریحانه پیام داده کجایید؟ می خواستم بگویم سخت نگیر مادر، کدوم هیئتی سر ساعت شروع می شه آخه؟ ولی نوشتم راه افتادیم نگران نباش. فاصله پیام تا رسیدن به فاطمیه یک ساعتی شد. باید نماز می خواندیم، غذاهای مانده ظهر را جابجا می کردم و کمی به جمع آوری خانه می رسیدم. نمی شد این ها را به دخترم بگویم.

ورودی خانم ها با حمایل سبز می بینمش. دست بر سینه خوش آمد می گوید. خانمی با نوزاد در بغل و کیفی در دستش وارد صحن شد. ریحانه صدایش زد بگذارید کمک کنم و دنبالش رفت. نفس عمیقی می کشم. فرصت خوبی است تا از نگاه پرسشگر او فرار کنم. صدای سخنرانی می آید. وارد صحن که می شوم، نیمی از آن پر است. خادمی که روی پارچه سفید ایستاده با چوپ پرمن را به سمت انتهای صحن راهنمایی می کند. با اشاره می گویم اینجا نیست؟ خادم جلویی سرش را تکان می دهد و با دست اشاره می کند که سمتش بروم. خم شده بود و داشت به خانمی می گفت اگه همراهتون نمیاد این خانم بشینن؟ همراهش در ترافیک مانده بود و جایش به من رسید. کنار او می نشینم. در یک دفتر به قاعده کاغذ A5 مشغول نوشتن است. دفتر سیمی است و عنوان های آماده ای دارد. گوشه هر صفحه لوگوی بنیاد پالیزوانی خورده است. با خودکار قرمز نوشته بود **امروز سکون یعنی خیانت** از نوشته هایش به نظر می آمد سخنرانی خیلی وقت است شروع شده یا لااقل مقدمه را سخنران گفته.

پایم را کمی تکان دادم و کمرم را راست کردم تا او را ببینم. آقای غلامی روی یک صندلی نشسته بود. سمت راستش روی پروژکتور صفحاتی شبیه به خلاصه نموداری مطالب نشان داده می شد.

مورد چهار نوشته بود: پایداری و استقامت.

می گفتند قطعاً شما با مانع هایی روبرو می شوید. مانع ها را سه دسته کردند و گفتند. رسیدند به سعه صدر. گفتند سعه صدر یعنی باید ظرفیت بزرگ باشد. سرچرخاندم ریحانه را پیدا کنم. این روزها خیلی حرص و جوش اتفاقات کشور را خورده بود. کاش می توانست حرف ها را بشنود. سر جایش ایستاده بود و کسی دورش نبود. امیدوارم شنیده باشد. چراغ ها خاموش شد و سخنرانی با روضه استاد تمام شد. ساعت را نگاه کردم؛ ۲۱:۴۲ بود. ریحانه گفته بود برنامه طبق زمان بندی است باورم نمی شد. باید برای فردا شب زودتر از خانه راه بیفتیم.

ثمره‌لب

پویایی و استقامت در مسیر آرمان



توقف و رکود، آفت بزرگ هر جریان زنده و تحول خواه است. کتاب «بدون توقف» اثری دغدغه مند و محرک است که به کالبدشکافی مفهوم پیشرفت و ضرورت استمرار در مسیر اهداف کلان فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. این کتاب با بیانی تحلیلی، هشدار می‌دهد که در میانه میدان تقابل اراده‌ها، هرگونه ایستایی می‌تواند به معنای عقب‌نشینی و واگذاری سنگرهای فکری باشد.

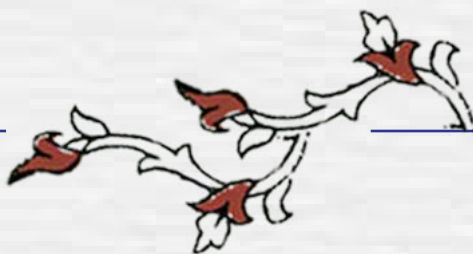
دکتر غلامی در این اثر، موانع و چالش‌های فکری و عملیاتی پیش روی حرکت‌های تحول‌گرا را بررسی کرده و راهکارهایی برای عبور از بن‌بست‌های ذهنی و روزمرگی ارائه می‌دهد. «بدون توقف» دعوتی است به بیداری، کنشگری فعال و حفظ روحیه جهادی؛ اثری که نشان می‌دهد مسیر تحقق آرمان‌ها همواره با فراز و نشیب همراه است، اما با اراده‌ای مستمر و خستگی ناپذیر، این مسیر کاملاً پیمودنی است.



جهت خرید کتاب
از سایت
رمزینه مقابل را
اسکن کنید



دسترسی به صوت و خلاصه سخنرانی
دهه سوم محرم با موضوع «عزت دینی»



bonyad_shahidpalizvani



palizvani.ir